

به جنگ‌ها چقدر می‌توان اعتماد کرد؟

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی | راضیه آبادیان

| ۱۲۰ - ۱۰۹ |

۱۰۹

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

چکیده: جنگ‌ها و مجموعه‌های کهن، منابعی ارزشمند در پژوهش‌های ادبی و فرایند تصحیح متون به شمار می‌آیند؛ چراکه بسیاری از اشعار و متون پراکنده در دل این آثار حفظ شده‌اند و گاه نسخه‌هایی منحصر به فرد از متون کهن را در اختیار قرار می‌دهند. با این حال، اعتماد بیش از اندازه به این منابع، بدون بررسی میزان دقت و اصالت آنها، می‌تواند به تحریف متن اصلی بینجامد. جنگ‌ها معمولاً حاصل گردآوری‌های شخصی‌اند و ممکن است با اشتباهات یا دخالت‌های سلیقه‌ای و دخل و تصرف‌های نسخه‌برداران یا گردآورندگان همراه باشند؛ از این رو، در بهره‌گیری از جنگ‌ها و مجموعه‌های کهن، باید همواره با دقت و احتیاط عمل کرد و آنها را با عنوان منابع کمکی در نظر گرفت. تنها از رهگذر چنین رویکردی است که می‌توان به متنی نزدیک به متن اصلی دست یافت و اعتبار علمی تصحیح را حفظ کرد.

کلیدواژه‌ها: تصحیح متن، جنگ، بیاض، سفینه، مجموعه.

How Reliable Are Manuscript Anthologies (jungs)?

Raziyeh Abadiyan

Abstract: *Jungs* (manuscript anthologies) and other old miscellanies are invaluable sources in literary research and the process of critical editing (*tasfiḥ*) of texts. Many scattered poems and writings have been preserved within these works, and at times they provide unique copies of ancient texts. However, placing excessive trust in such sources without scrutinizing their accuracy and authenticity can lead to distortions of the original text. *Jungs* are typically the result of private compilations and may contain errors, subjective interventions, or alterations by copyists or compilers. Therefore, it is essential to approach *jungs* and similar old collections with careful attention and caution, treating them primarily as auxiliary sources. Only through such an approach can one approximate the original text and safeguard the scholarly integrity of the edition.

Keywords: critical editing (*tasfiḥ*), jung, bayāḍ, safina, collection.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیش از آغاز سخن باید بگویم که منظور نگارنده از «جنگ»، هر نوشته‌ای است که شامل مجموعه و گزیده‌هایی از ابیات و مطالب خواندنی شود. در نوشته پیش رو، جنگ مجموعه‌ها، بیاض‌ها، سفینه‌ها، جریده‌ها، کَشکول‌ها و جنگ‌واره‌ها و نیز هر اثری را شامل می‌شود که در ضمن موضوع اصلی، ابیات مختلفی از یک شاعر یا شاعران مختلف را در بر داشته باشد (برای دیدن توضیحات بیشتر درباره این نام‌ها، نک: افشین‌وفایی و بشری، ۱۳۹۷: ۷-۳۱). پس در این دسته، حتی کتاب‌هایی چون تذکره‌ها و نیز کتب بلاغی می‌گنجند.

در یکی دو دهه اخیر خوشبختانه بهره‌گیری از جنگ‌ها و مجموعه‌های ادبی، رواج فراوان یافته و پژوهشگران عرصه ادبیات، به‌ویژه نسل جوان‌تر، با شوق و اشتیاق وافر به بررسی این آثار و کندوکاو در آن‌ها پرداخته‌اند و بعضی مصصّحان برای تصحیح متن‌هایی که در دست داشته‌اند، از این دست منابع، خصوصاً منابعی که شهره‌تر و کهن‌تر بوده‌اند، بهره‌ها برده‌اند. بی‌شک با کمک این منابع، متون، دست‌کم از نظر کمی وضعیت بهتری یافته‌اند، اما به کارگیری این منابع در تحقیق، ممکن است اثر مصحّح و پژوهشگر را دچار آفت‌هایی نیز بکند که در ادامه به آن‌ها خواهم پرداخت.

به تازگی نگارنده این سطور تصحیح تازه‌ای از دیوان منوچهری دامغانی را به چاپ رساند. در این تصحیح، برای یافتن بیت‌های تازه یا دست یافتن به ضبط درست بیت‌های موجود، جز دستنویس‌های گوناگون از دیوان منوچهری، کتب، سفینه‌ها، مجموعه‌ها و جنگ‌های فراوانی نیز از نظر گذرانده شد. همین بررسی‌ها موجب شد نگارنده دریابد که در استفاده از این منابع همواره باید جانب احتیاط را رعایت کرد و نباید به این منابع به‌تمامی اعتماد کرد؛ حتی اگر چندصد سال از کهن‌ترین دستنویس یک متن قدیم‌تر باشند؛ به‌ویژه در مواقعی که ضبط تمام نسخ متن با ضبط یک جنگ تفاوت داشته باشد. در امر تصحیح، قدمت بعضی از این جنگ‌ها، به‌ویژه آنجا که مصحّح برای کار تصحیح هیچ دستنویس کهن یا کاملاً معتبری در دست ندارد، بسیار وسوسه‌کننده است. اما آنچه حقیقت دارد، این است که گردآوردندگان بسیاری از این مجموعه‌ها و جنگ‌ها و کاتبانشان در نقل اشعار چندان دقیق نبوده‌اند و در بسیاری موارد خود نیز قصد و سعی در نقل درست و صحیح و کامل ابیات نداشته‌اند. مقصود بسیاری از ایشان از نقل اشعار چیز دیگری بوده که با نقل ناقص و نادقیق آنها نیز برآورده می‌شده است. از جمله در منابعی که اشعار به صورت موضوعی دسته‌بندی می‌شده‌اند، موضوع و

محتوای کلی شعر یا بیت اهمیت داشته، نه اصالت ضبط برخی از کلمات. پس گردآورنده می‌توانسته است در نقل بیت یا بیت‌هایی، به عمد یا از سر سهو، چند کلمه‌ای را دگرگون کند، مثلاً «باد» را به «آه»، «ترک» را به «دوست» و «دوست» را به «یار» تغییر دهد و از رسیدن به هدف خود نیز بازماند. نیز پیش می‌آمده است که فراهم‌آورنده یا کاتب جنگ یا مجموعه‌ای، با میدان دادن به ذوق و سلیقه روزگار خود فعلی را به فعل ساده‌تری دگرگون کند؛ مثلاً «شد» را بردارد و «رفت» را به جای آن بگذارد و در نتیجه سخنی کهن را در جامه‌ای به‌روزر و نوتر عرضه کند یا به هنگام نقل تک‌بیتی از یک شعر، در آغاز سخن، «وگر» را که در صورت اصلی بوده است، به «اگر» تغییر دهد (که اگر در پی حفظ صورت اصلی یک بیت نبوده باشیم، چه بسا خود نیز بارها این کار را انجام داده‌ایم). همچنین این نویسندگان و گردآوردندگان، در دشوارگاه‌هایی که بیت، واژه یا واژگان نامأنوسی داشته یا دچار اشکال معنایی بوده، برای مفهوم شدن بیت بد نمی‌دیده‌اند که به آسان‌سازی و درست کردن بیت و تغییر آن دست زنند؛ چرا که مقصود ایشان با این تغییرات نیز به دست می‌آمده است. غرایضی این‌چنینی انگیزه کافی برای تغییرات عمدی را به یک کاتب یا گردآورنده می‌داد. گاهی نیز این تغییرات در نتیجه خطا و سهو رخ می‌داد. در بعضی مواقع، این گردآوردندگان و نویسندگان، ابیات را از بر بودند و از حافظه می‌نوشتند و در نتیجه در نقل‌ها دچار اشتباهاتی می‌شدند. برای شخصی که بیتی را به مناسب مقام و فقط برای زینت بخشیدن متن یا پربار کردن معنا استفاده می‌کرده، تغییری کوچک که اشکالی در نحو و دستور و معنی ایجاد نکند، چه اشکالی می‌توانست داشته باشد؟ حتی اگر این تغییر در قافیه یک بیت رخ داده باشد و آن را تا اندازه‌ای از اصالت به دور کرده باشد.

نگارنده در تصحیح دیوان منوچهری، بارها شاهد بسیاری از این بی‌دقتی‌ها، سهوها و فراموشی‌ها و گاه دست بردن‌های عمدی در یک شعر بوده است. مسلماً بی‌دقتی در نقل اشعار تنها محدود به اشعار منوچهری نمی‌شود و در مواردی که شمارشان کم هم نیست، ابیاتی از دیگر شاعران هم در این کتب و مجموعه‌ها حتی با تغییر در نام ممدوح، تغییر در قافیه و تغییر در واژگان و... نقل شده‌اند. مثلاً در کتاب تاج المآثر که به دست صدرالدین حسن نظامی نیشابوری، در آغاز سده هفتم نوشته شده است و می‌توان آن را یک جنگ‌واره به شمار آورد، مؤلف یک بار در جایی از این کتاب (۱۳۹۱: ۳۳۵)، مصراعی از ازرقی را به صورت «نار کفیده گفت سر سروان ز تیغ» آورده و در جای دیگری از همین کتاب (همان: ۷۹۸) مصراع را به شکل «نار کفیده گفت سر سرکشان ز تیغ» ذکر کرده است. این تغییر بیت توسط یک نویسنده و در یک کتاب، نشان می‌دهد که برای بسیاری از این نویسندگان یا گردآوردندگان، حفظ صورت اصلی اشعار اهمیت نداشته و

همین قدر که بیت و محتوای آن با متن هماهنگی داشته باشد، کافی بوده است. بنا بر این، این نکته مهم را نباید از یاد برد که استفاده از این منابع جانبی باید با احتیاط فراوان انجام گیرد و این متون را آن طور که امروز باب شده، نباید در همه امور آن قدرها ثقه بدانیم.

در نوشته پیش رو، برای روشن شدن موضوع و بسط دادن آن، نمونه‌هایی از ابیات منوچهری دامغانی در بعضی جنگ‌ها و جنگ‌واره‌ها ذکر خواهد شد که چگونگی نقل آن ابیات، میزان توجه و دقت نویسندگان و فراهم‌آوردندگان این کتب را نشان خواهد داد. در این زمینه توجه به موضوع قافیه، بسیار کمک‌کننده خواهد بود؛ زیرا اشکال در قافیه را نمی‌توان با هیچ توجیهی روا شمرد و به اصلی احتمالی نسبت داد. بنابراین مثال‌ها را با ابیاتی که قافیه آنها در جنگ‌ها تغییر یافته است، آغاز می‌کنم. بنگرید به بیت زیر:

اختیار دست او جودست جود بی‌ریا اعتقاد رای او عدلست عدل بی‌عوار

(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۲۱۱)

در جنگ شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که جنگی نسبتاً کهن محسوب می‌شود (کتابت: سده هفتم یا هشتم)، به جای «عوار» در قافیه، «عوان» آمده که با توجه به دیگر قوافی این قصیده (مار، قندهار، مستعار و...)، قطعاً نمی‌تواند درست باشد. توجه می‌دهم به تاریخ کتابت این جنگ و نیز به اینکه بیشتر نسخ موجود از دیوان منوچهری نسخی بسیار متأخر هستند و قدیم‌ترین این نسخ به احتمال زیاد در آغاز سده یازدهم کتابت شده است (در این باره، نک: آبادیان ← منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۵۴-۵۷). اگر این تفاوت ضبط در جایگاه قافیه رخ نمی‌داد، ممکن بود بسیار گمراه‌کننده باشد و با توجه قدمت جنگ شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی، مصحح را از صورت اصیل بیت دور کند.

بیت زیر هم نمونه خوبی است برای نشان دادن همین موضوع:

خورشید را ستاره بسی هست بر فلک لیکن به ماهتاب دهد نور و روشنی

(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۴۲۶)

در جنگ شاه شجاع یا کاخ گلستان (تاریخ کتابت: ۸۴۹ق)، مصراع دوم بدین صورت آمده است: «لیکن به ماهتاب دهد روشنی خویش». بنا بر دیگر قوافی این قصیده (بهمنی، گفتنی، خرمنی و...)، بی‌گمان قافیه «خویش» (همان صورتی که در جنگ شاه شجاع آمده) نادرست است و مصحح باید به نسخه‌های دیوان که بسیار متأخرند، اعتماد کند.

یک نمونه دیگر از همان قصیده:

از بامداد تا به شبانگاه می‌خوری وز شامگاه تا به سحرگاه گل‌کنی

(همان: ۴۲۳)

در بیت بالا نیز، در جنگ گنج‌بخش (تاریخ کتابت: سده هشتم) و همچنین در کتاب جهانگشای جوینی (جوینی، ۱۳۷۸: ۲۰۴/۱)، به جای فعل «کنی» در قافیه این بیت، «چنی» (اصل: جنی) آمده، اما نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا «برچنی» در چند بیت سپس‌تر در این قصیده به درستی در جایگاه قافیه نشسته است. بیت این است:

دُرست ناخریده و مشکست رایگان هرچند برفشانی و هرچند برچنی

(همانجا)

پیدا است که برای نویسنده تاریخ جهانگشای، مطابقت بیت منوچهری با بافت موضوعی تاریخ اهمیت داشته است، نه تکراری نبودن قافیه آن.

همچنین باید از بیت زیر یاد کرد که با قافیه «سیر» در جنگ شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (کتابت: سده هفتم یا هشتم) کتابت شده است. با توجه به معنای بیت، نادرستی ضبط این جنگ مسلم می‌شود؛ زیرا، گل‌نرگس تازه، در کودکی عاشق شده است؛ بنابراین قد او در همین سن کم مانند قد یک کهنسال (پیر) شده است، و نه قد سیر. پس صورت درست همان است که در دیوان آمده:

عاشق شد دست نرگس تازه به کودکی تا هم به کودکی قد او شد چو قد پیر

(همان: ۲۳۴)

همچنین بنگرید به بیت زیر که در وصف قلم ممدوح است:

قامت کوتاه دارد رفتن شیر دژم گونه بیمار دارد قوت کوه حراز

(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۲۴۴)

نام کوهی که در قافیه این بیت می‌بینیم، دو بار دیگر نیز در اشعار منوچهری آمده است (نک: همان: ۲۱۹ و ۲۳۹؛ ابیات ۶۱۲ و ۷۷۱). این کوه بنا بر بیت دیگری از منوچهری، به زرخیزی شهره بوده است.^۱ در نسخ دیوان، نام این کوه به صورت‌های متفاوتی ضبط شده است: «حراز»،

۱. بیت این است:

مهر بود خزینه زرتواز حراز بهتر بود خزینه عطرتواز قمار

(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۱۴۹)

«خراز»، «خزار»، «جراز»، «خراز»، «خواز»، «حرز»، «حذر»، «خزر» و «طراز» (نک: همان: ۲۴۴، پانویس شماره ۲۰؛ ۲۱۹، پانویس شماره ۱۹؛ ۲۳۹، پانویس شماره ۲۱) و ظاهراً صورت درست آن همان «حراز» است که منطقه‌ای زرخیز در یمن بوده است (نک: همان: ۶۶۷، توضیحات بیت ۶۱۲). این اختلاف ضبط نسخ در این موضع از بیت نشان‌دهنده ناشناخته بودن این نام در ذهن کاتبان است. اما در خلاصة الاشعارِ تقی کاشی، که جنگ معتبر و شناخته‌شده‌ای نیز هست (تاریخ کتابت: ۱۰۷۱ق)، کار آسان شده و قافیه این بیت به واژه آشنای «حجاز» تغییر یافته و بیت بدین صورت آمده است:

قامت کوتاه دارد رفتن شیر دژم گونه بیمار دارد قوت کوه حجاز

نیز بنگرید به بیت زیر که در جنگ شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، با هدف آسان ساختن سخن، کلمه‌ای دشوار و شاذ در آن به یک کلمه پرکاربردتر تغییر یافته است:

این کند بر دوش گردان گردن چو گرد وان کند بر پشت شیران مهره شیران بشار

(همان: ۲۱۰)

در این جنگ، کلمه «بشار» جای خود را به «فکار» داده است؛ در حالی که نسخ دیوان منوچهری کوشیده‌اند ضبطی شبیه به ضبط درست و اصیل کتابت کنند. این نسخ در جای قافیه کلماتی چون «نثار»، «شیار» و «بیار» و «شمار» آورده‌اند (نک: همانجا، پانویس شماره ۲۷)، اما این جنگ که از دستنویس‌های دیوان بسیار کهن‌تر است، کوشیده است تا با تغییر کلمه، دردسری را که دچار آن شده، برطرف نماید.

این تغییر دادن‌های سهوی و دست‌بردهای عمدی مسلماً تنها در قافیه رخ نمی‌دهد و چنانکه در آغاز مطلب نیز گفته شد، گاهی برای یک جُنگ‌پرداز، تغییر یک یا چند واژه در بیت، اگر به مفهومی که او در ذهن دارد و معنایی که در پی انتقال آن است، لطمه‌ای نزند، هیچ اشکالی ایجاد نخواهد کرد.

حال به ابیاتی می‌پردازم که این تغییرات جز در جای قافیه رخ داده‌اند؛ برای نمونه به بیت زیر که در همان جنگ شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده، توجه کنید:

رسد خط تو از مشرق به مغرب ز اقصای مداین تا به مدین

بیت نه در لفظ و نه در معنا هیچ اشکالی ندارد، ولی در تمام نسخ دیوان منوچهری که همگی از جنگ کتابخانه مرکزی دست کم چندصد سال متأخرتر هستند، به جای «خط»، «دست» آمده است که با در نظر داشتن بیت پیشین، درمی‌یابیم که ضبط همین نسخ جدیدتر درست است:

شنیدم من که بر پای ایستاده رسیدی تا به زانو دست بهمن

رسد دست تو از مشرق به مغرب ز اقصای مداین تا به مدین

(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۳۲۱)

از نظر نگارنده، در مواجهه با جنگ پردازان و نیز مؤلفانی که با کتب ادبی و بلاغی مانوس بوده و در عربی دانی و علوم مختلف تبخّر داشته‌اند، بیش از پیش باید جانب احتیاط را رعایت کرد؛ زیرا این ادیبان در مواردی به زعم خود به اصلاح بیت می‌پرداختند و بیت را از نظر وزنی یا دستور و قواعد زبانی تصحیح می‌کردند (و البته این جز مواردی است که ایشان به تصحیحات ذوقی دست می‌زده‌اند). در این مواقع رد کردن نظر و نوشته ایشان و قانع کردن ذهن مخاطبان بسیار دشوارتر خواهد بود، اما همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، هرگاه ضبط جنگی با ضبط تمام نسخ تفاوت اساسی داشت (نه تفاوت در نقطه و سرکش و...، بلکه تفاوت در استخوان‌بندی و شکل اصلی کلمه)، باید به درستی آن با تردید نگریست. به بیت سوم از این بند بنگرید که نخستین بند از یکی از مسطّ‌های منوچهری است:

آمد بانگ خروس موذن میخوارگان صبح نخستین نمود روی به نظّارگان

هم به کتف برفکنند جامه بازارگان روی به مشرق نهاد خسرو سیّارگان

باده فراز آورید چاره بیچارگان

قوموا الشرب الصبوح یا ایّها النائمین

(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۴۹۵)

چند قافیه دیگر از این مسطّ، «حور عین»، «معین»، «یمین» و «نازنین» هستند و در بیت سوم از این بند هم کلمه قافیه «النائمین» است که از نظر قواعد مربوط به قافیه هیچ اشکالی ایجاد نمی‌کند. اما می‌دانیم که بنا بر قواعد زبان عربی، پس از «ایّها» کلمه باید به صورت مرفوع بیاید. ظاهراً به همین سبب رشید و طواط در حدائق السحر فی دقائق الشعر (۱۳۶۲: ۶۳)، به رفع این اشکال پرداخته، و ترکیب اضافی «معشر النائمین» را ساخته است تا مجرور بودن «نائمین» در این بیت، بنا بر قواعد عربی به درستی انجام گرفته باشد؛ که البته این ضبط با ضبط تمام نسخ دیوان و حتی ضبط جنگ گنج‌بخش متفاوت است (نک: همانجا: پاورقی شماره ۱۱). به این نکته توجه می‌دهم که منوچهری در جای دیگری نیز، به ضرورت شعری، ناچار از قواعد عربی سرپیچی کرده است. بنگرید به بیت زیر:

شمس الوزرا احمد عبدالصمد آن کو شمس الوزرا نیست که شمس الثقلانست
(همان: ۱۶۵)

در این بیت هم بنا بر قواعد زبان عربی، باید در جای قافیه به جای «شمس الثقلان»، «شمس الثقلین» می‌آمد که البته شاعر با توجه به دیگر قوافی آن قصیده (سنانست، بنانست، زبانست و...) صورت کنونی را آورده است.

بیت زیر هم از ابیاتی است که ضبط یک جنگ کهن (در قیاس با تاریخ کتابت نسخ دیوان) با ضبط تمام نسخ تفاوت دارد. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، در این مواقع باید بیش از پیش با احتیاط رفتار کرد.

گل شکفت و لاله بنمود از نقاب سبز روی آن ز عنبر برد بوی و این ز گوهر برد رنگ
(همان: ۲۶۵)

در این بیت، جنگ گنج‌بخش، نقاب لاله را سرخ دانسته، پس به اصلاح بیت دست زده و مصراع یکم را بدین صورت آورده است: «گل شکفت و لاله بنمود از نقاب سرخ روی»، اما منظور از «نقاب سبز» که تمام نسخ دیوان آن را تأیید می‌کنند (نک: همانجا، پانویس شماره ۱۲)، پوشش سبزرنگ دربرگیرنده غنچه گل لاله است که لاله از میان آن، روی نموده است (شکفته است).

بی‌دقتی در انتساب اشعار نیز از آسیب‌های دیگری است که این آثار می‌توانند در کار پژوهش ایجاد کنند. پژوهشگر متون باید در هنگام به‌کارگیری این منابع جانبی در تصحیح متن، میزان ثقه بودن فراهم‌آورندگان این آثار را - با توجه به دیگر منابعی که در دست دارد و نیز با در نظر گرفتن سبک شخصی و دوره‌ای شاعر یا مؤلف - بسنجد و چشم‌پسته هر آنچه را در این آثار آمده، نپذیرد. نگارنده در پی جستجوی اشعار منوچهری در جنگ‌ها، به ابیات بسیاری برخورد که به نام منوچهری درج شده بودند، اما در حقیقت از او نبودند (نک: نمونه‌هایی که در دنباله مطلب آمده است). باید توجه داشت که در این موارد نباید فریب اصالت، کهنگی و قدمت یک جنگ را خورد؛ زیرا حتی در بعضی جنگ‌های کهن نیز چنین انتسابات نادرستی را می‌توان به فراوانی دید. در چندین جنگ نسبتاً کهن، بیت یا ابیاتی به منوچهری نسبت داده شده که به سبک شخصی او نمی‌خورد و با توجه به برخی از قرینه‌های سبکی و زبانی، از شاعران هم‌عصر او هم نمی‌تواند باشد. همچنین گاهی صورت کامل‌تر شعری که به منوچهری نسبت داده‌اند، در آثاری که بعضاً حتی بسیار متأخرتر از آن اثرهای کهن هستند، یافت می‌شود و در این صورت کامل‌تر، با توجه به قرآینی،

روشن می‌شود که آن شعر از شاعر دیگری است؛ از جمله به این دلیل که شاعر نامش را در آخر قصیده ذکر کرده است. شعر با مطلع زیر یکی از این اشعار است که در متنی کهن به منوچهری منسوب است، اما در چند جنگ متأخرتر به نام شاعر اصلی آن کتابت شده است:

چون صبح برکشد علم ساده پرنیان باید کشید رایت عشرت بر آسمان

سفینه ترمذ، که در حدود اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم کتابت شده، ۱۹ بیت از این قصیده را ذیل عنوان «حکیم کامل منوچهری دامغانی فرماید در وصف شراب و منفعت وی» (برگ ۶۶، ص ۱) آورده است، ولی در چند جنگ بسیار متأخر که احتمالاً در سده دوازدهم کتابت شده‌اند، قصیده همراه با بیت تخلص، به نام «جوهری زرگر بخارایی» آمده است. یکی از این جنگ‌ها، جنگ ۲۴۳ کتابخانه مجلس سنا یا همان جنگ «شعر شاعران از عنصری تا ادیب صابر» است (نک: گ ۲۸۴، ص ۱ و ۲ در این جنگ) و دیگری جنگ ۵۳-۵۴ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (نک: ص ۸۰-۸۱ از این جنگ). در این دو جنگ، در یکی از ابیات پایانی قصیده، شاعر به نام خود اشاره کرده است:

تا جوهری زرگر جامی شراب پر نوشد گه صبح به یاد خدایگان

(برای توضیحات بیشتر، نک: آبادیان — منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۵۶۹-۵۷۰)

جنگ یحیی توفیق که در ۷۴۵ ق کتابت شده است، از جنگ‌هایی است که انتساب اشعار به هر شاعری را در آن باید با دیده تردید نگریست. در این جنگ، ذیل عنوان «در باب ۲۶ فی نیل المراد» (برگ ۸۰، ص الف)، بیتی به منوچهری منسوب شده است که با توجه به سبک منوچهری و شیوه‌های بیانی او و نیز سبک دوره‌ای، نمی‌تواند از منوچهری و شاعران هم‌عصر او باشد: صبح سعادت از شب محنت برون دمید گردنده چرخ روی به اقبال ما نهاد

چنانکه پیش‌تر در جایی دیگر نیز اشاره کرده‌ام (نک: آبادیان — منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۵۴۹)، ترکیب‌های «صبح سعادت» و «شب محنت» از لحاظ سبک شناختی و زبانی با ساختار خیال‌پردازی و واژگان رایج در اشعار منوچهری ناسازگارند و بسیار بعید است که این شعر از منوچهری و سروده شاعری هم‌دوره او باشد. این گونه ترکیب‌ها بیشتر با سبک‌های زبانی متأخرتر پیوند دارند (برای دیدن نمونه‌های بیشتر، نک: منوچهری، ۱۴۰۳، بخش «شعرهای منسوب به منوچهری»). البته جنگ یحیی توفیق، افزون بر مسائل مربوط به انتساب اشعار، از نظر ضبط دقیق کلمات نیز چندان قابل اعتماد نیست. در اینجا به منظور پرهیز از اطاله کلام، فقط به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنم:

بهاری بس بدیعست این گرش با ما بقا بودی ولیکن مندرس گردد به آب‌انها و آذرها
(منوچهری دامغانی، ۱۴۰۳: ۱۵۰)

در جنگ گنج‌بخش، به جای «بهاری» در مصراع اول، «نگاری» (اصل: نکاری) آمده است که هم با توجه به کل قصیده که در وصف بهار است و هم با در نظر داشتن بیت بعدی، بی‌گمان ضبط تمام نسخ دیوان را که همان «بهاری» است (نک: همانجا، پانویس شماره ۱۵)، باید پذیرفت؛ با وجود اینکه تاریخ کتابت این جنگ از تمام آن نسخ بسیار کهن‌تر است. بیت بعدی این است:

جمال خواجه را بینم بهار خرم و شادی که بفزاید به آب‌انها و نگزایدش صرصرها
(همانجا)

همچنین بنگرید به بیت زیر:

بهای عنبر و ند کم شد ایراک همه خاک زمین عنبر شد و ند
(همان: ۱۷۶)

در جنگ گنج‌بخش به جای «ند»، هم در مصراع اول و هم در مصراع دوم، «ید» آمده که بی‌شک نادرست است.

در پایان، با توجه به نمونه‌هایی که آورده شد، می‌توان گفت که اعتماد کامل نکردن به منابع جنبی در فرایند تصحیح متون، نه تنها امری احتیاط‌آمیز، بلکه ضرورتی علمی است. بهره‌گیری بی‌چون و چرا از منابعی چون جُنگ‌ها و مجموعه‌ها، بدون سنجش میزان دقت و صحت آن‌ها، می‌تواند به تحریف متن اصلی بینجامد و اعتبار پژوهش را زیر سؤال ببرد. از این رو، تکیه بر نسخه‌های خود متن، به ویژه نسخه‌های معتبر و کهن، اصلی مهم در تصحیح انتقادی به شمار می‌آید. عموماً از رهگذر تحلیل دقیق این نسخه‌ها و مقابله میان آن‌هاست که می‌توان به متنی نزدیک به متن اصلی دست یافت. این نسخ، با تمام کاستی‌ها و آسیب‌هایی که ممکن است در گذر زمان دیده باشند، همچنان در بسیاری موارد معتبرترین شاهدان برای بازآفرینی متن‌اند. در مقابل، منابع جنبی گاهی با دخالت دیدگاه‌های شخصی، حذف‌ها یا افزوده‌ها همراه‌اند که همین می‌تواند موجب شود که تفاوت چشمگیری با اصل اثر ایجاد کنند. از این رو، مصحح باید با رویکردی نقادانه و روش‌مند، نسخه‌های مستقل متن را محور قرار دهد و از تکیه نابجا بر منابع جنبی پرهیز کند، تا نتیجه کار او نه بازنویسی متنی دیگر، بلکه احیای متن اصیل باشد.

منابع چاپی

افشین وفایی، محمد، و جواد بشری (پاییز و زمستان ۱۳۹۷). «سفینه، مجموعه، جنگ [تحولات تاریخی یک نوع ویژه ادبی]»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، س ۲۶، ش ۸۵، صص ۷-۳۱.

جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاءالدین (۱۳۷۸ ش). تاریخ جهانگشای جوینی (۳ جلد)، به کوشش محمد قزوینی، چاپ دوم، تهران: نقش قلم و دنیای کتاب.

منوچهری دامغانی (۱۴۰۳ ش). دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح راضیه آبادیان، چاپ اول، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.

نظامی نیشابوری، صدرالدین حسن (۱۳۹۱ ش). تاج المآثر، به تصحیح مهدی فاموری و علیرضا شادآرام، چاپ اول، یاسوج: دانشگاه آزاد اسلامی (یاسوج).

وطواط، رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی (۱۳۶۲ ش). حقائق السحر فی دقایق الشعر، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری و سنایی.

دستنویس‌ها

جنگ اشعار؛ «جنگ شعر شاعران از عنصری تا ادیب صابر»، دستنویس شماره ۲۴۳ مجلس سنا، تاریخ کتابت: احتمالاً سده دوازدهم.

جنگ شاه شجاع، دستنویس شماره ۵۲۱ کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان، تاریخ کتابت: ۸۴۹ ق.

جنگ شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، کتابت: سده هشتم.

جنگ شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابت: سده هفتم یا هشتم.

جنگ شماره ۵۳. د کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابت: سده دوازدهم (۹).

جنگ یحیی توفیق؛ «مجموعه اشعار فارسیه للشعراء المتقدمین»، دستنویس شماره ۴۴۹ کتابخانه سلیمانیه ترکیه، کتابت: ۷۴۵ ق.

خلاصة الاشعار و زیدة الافکار، دستنویس شماره ۲۷۲ ف کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اهدایی سرلشگر مجید فیروز (ناصرالدوله)، فراهم‌آورده تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی‌الحسینی الکاشانی، تاریخ کتابت: ۱۰۰۷ ق.

سفینه ترمذ (ترمذ)، دستنویس شماره ۱۸۳ کتابخانه دانشگاه مدراس، فراهم‌آورنده: محمد بن یغمور در شهر ترمذ، مجموعه مربوط به اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۸.